



مبنای سنت گرای تصوف است/ سنت گرایان در قلعه تجدید از سنت حرف می‌زنند

مدیر مسئول موسسه اشراق حکمت اسلامی گفت: بنیاد فکری سنت گرای را تصوف تشکیل می‌دهد، سنت گرایان برای عقل مقام و موقعیتی قائل نیستند و جریان سنت گرای هم در جهان وجود خارجی ندارد.

مدیر مسئول موسسه اشراق حکمت اسلامی گفت: بنیاد فکری سنت گرای را تصوف تشکیل می‌دهد، سنت گرایان برای عقل مقام و موقعیتی قائل نیستند و جریان سنت گرای هم در جهان وجود خارجی ندارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام منصور مهدوی، مدیر مسئول موسسه اشراق حکمت اسلامی، در گفتگو با نشریه «گفتمان الگو» به نقد سنت گرای پرداخته و سنت گرایان را دچار تناقض در نظر و عمل می‌داند. از نظر مهدوی بنیاد فکری سنت گرای را تصوف تشکیل می‌دهد. سنت گرایان برای عقل مقام و موقعیتی قائل نیستند و جریان سنت گرای هم در جهان وجود خارجی ندارد.

حجت الاسلام مهدوی پس از تشریح برخی مولفه‌های فکر سنت گرای می‌گوید: «سنت گراها مدعی‌اند که باید از تکنولوژی جدید فاصله بگیرند. دلیلش یک مبنای فکری است که این تکنولوژی را، فاقد قدسیت و معنویت می‌داند چون برخاسته از یک سری تمایلات بشری و احیاناً هواهای نفسانی و آغشته به دنیاگرایی است. از عالم علوی و ملکوت جدا شده و غرق در مادیات است.»

به اعتقاد وی: «این یک تناقض میان نظر و عمل است که سنت گراها بدان مبتلا هستند. سنت گراها به لحاظ نظری حرفهایی می‌زنند که خودشان در عمل کمترین پایبندی را به آن دارند.»

مهدوی با اشاره به اینکه سنت گرایان می‌خواهند از موضعی دفاع کنند که همه ادیان و سنت‌ها زیر یک چتر قرار گیرند و از این رو به حکمت خالده که از آن امر قدسی ناشی شده و امری فرازمانی و فرامکانی است اشاره دارند، می‌گوید: «سنت گرایان معتقدند که حکمت خالده فراتر از عقل است. معرفتی است که بی‌واسطه انسان درک می‌کند و اصلاً استدلالی نیست. تکیه سنت گرایان در اینجا بر روی شهود و معرفت شهودی است. لذا عقل و برهان در نظر آن‌ها چیز محترمی نیست. شهودات هستند که مبنا و محتوای حکمت خالده را می‌سازند.»

وی نتیجه می‌گیرد: «اینکه می‌گویند سنت امر قدسی است و نباید به آن دست زد، این همان تعطیلی عقل است. می‌گویند عقل را بگذار کنار، چون همه چیز شهودی است. خود صدرا اهل کشف و شهود هم بوده، ولی محتوای دینی را در محضر عقل و برهان می‌آورده است.»

به اعتقاد حجت الاسلام مهدوی: «سنت گراهایی مثل آقای نصر در جهان اسلام وجود خارجی ندارند. یک اقلیت‌های محدود دانشگاهی هستند که در خود غرب هم اصلاً جایگاهی ندارند. در محافل دانشگاهی به ندرت و بعضاً فعال هستند. خیلی بعید می‌دانم از اینکه آن‌ها یک جریان باشند. خودشان هم به غربت و کم بودن عده و عده‌شان اذعان دارند.»

نویسنده کتاب «سنجش سنت» درباره ارتباط سنت گرای و تصوف معتقد است: «آقای نصر کتابی دارد به نام «قلب اسلام» که در آن می‌گوید قلب اسلام تصوف است. یعنی آن نقطه کانونی دین، صوفی‌گری است، که آن هم در واقع یک نوع عبور از مرزهای شریعت است. یک نوع محتوای مثلاً در ظاهر عرفانی، که دیگر خیلی برایش مهم نیست شما یهودی، مسلمان یا مسیحی باشی. یک نوع هاله‌ای از رفتار ظاهراً عرفانی که همه در پوشش آن قرار می‌گیرند. پس تصوف برای این‌ها خیلی مهم است و به نوعی مبنای فکری‌شان است. لذا عموماً شخصیت‌های سنت گرا، صوفی هستند. عضو فرقه مشخصی به نام شاذلیه که آقای شوان آن را به نام مریمیه جا انداخته است؛ یعنی سنت گرای، سرپوش تصوف است. تصوف از نظر این‌ها اصل می‌شود. تصوف در قالب گفتمان سنت گرای خود را نشان می‌دهد. در واقع سنت گرایان خود را اینگونه معرفی می‌کنند.»

وی در این باره می‌افزاید: «آقای ابوالحسن شاذلی که پایه گذار فرقه شاذلیه است، مسلمانی بوده که خیلی به اینکه شما اهل چه دینی باشی اهمیت نمی‌داده و مسیحی و یهودی را خیلی راحت قابل جمع می‌دانسته است. به نظر می‌آید وجه شاخصی که از شاذلیه در گفتمان سنت گرای نمود پیدا کرده، تساوی ادیان از نظر این‌ها است. البته آن مناسک و بالاخره روش صوفی منشی هم بینشان هست. آن‌ها حلقه و ذکر هم دارند.»

سنت گرای و سیاست

این پژوهشگر حوزه علمیه در بیان موضع سیاسی سنت گراها می‌گوید: «سنت گراها به طور عموم سلطنت طلبند. این سلطنت طلبی شان را هم برخاسته از سنت گرای خود می‌دانند. آقای نصر در یک سری از کتاب‌هایش به صراحت می‌گوید که سلطنت، زاینده سنت است. در دنیای سنتی این الگوی حکومت قرن‌ها استعمال شده و اگر هم عیبی داشته در گذر زمان عیب‌هایش گرفته شده است. لذا کامل‌ترین شکل حکومت سنت است. حتی ایشان می‌گوید از نظر شیعه - که این از نظر شیعه‌اش محل تأمل است - کامل‌ترین حکومت در زمان غیبت حکومت سلطنتی است. این حرف کاملاً سنت گرایانه خودش را به عنوان نظر شیعه مطرح می‌کند. پس این‌ها به سلطنت اعتقاد دارند، چرایی‌اش هم مشخص است.»

وی پس از نقد رفتار سیاسی سیدحسین نصر اضافه می‌کند: «عقربه سنت گراها، اول اینکه با یک پس زمینه نظری به سمت

سلطنت توجه دارد. دوم اینکه تمایلاتی هم به سمت قدرت در رفتار آنها وجود دارد. شاهد دیگری هم که برای این حرف می‌توان ارائه کرد این است که الان سنت از نظر سنت گراها کجاست؟ خودشان می‌گویند در عالم شرق است. پس چرا الان کانون سنت گرایی آمریکاست؟ مگر آنها نمی‌گویند تجدد و مدرنیته بد و سراسر شر است؟ حالا طبق حرف خودشان اگر بخواهیم که ملتزمشان کنیم، می‌گوییم شما که می‌گویید تجدد سراسر شر است، چرا از این سراسر شر دست بر نمی‌دارید؟ بیاید مثلاً در یک کشور جهان اسلامی، اندونزی، مالزی، مصر یا اینجا زندگی کنید. آقای نصر به این سوال ما جواب می‌دهند. می‌گویند که برای اینکه آنجا امکاناتی دارد و من می‌توانم به تمام دنیا حرف‌هایم را صادر کنم، ولی آیا این واقعا جواب است؟ این جواب قانع کننده نیست. چون خود این ابزار هم که ایشان می‌گویند با سنت در تناقض است.»

مدیر مسئول موسسه اشراق حکمت اسلامی ضمن اشاره به دسته بندی نصر از مسلمانان و تهمت بنیادگرایی به همه نهضت‌های اسلامی می‌گوید: «نصر، مثال‌هایی می‌زند و می‌گوید با این ویژگی‌ها، مکاتبی شکل می‌گیرد مثل مکاتب قذافی، خمینی و انواع مکاتب افراطی نهضت، چه شیعه و سنی، که بنیادگرا هستند. این را او در گفت‌وگویی که در سال ۶۴ منتشر شده، می‌گوید. آقای قذافی مگر مکتب دارد؟ اصلاً چیزی به اسم مکتب را متوجه می‌شود؟ مرحوم امام(ره) با تفکر شیعی خودش چه نسبتی با ابن تیمیه دارد؟ امام تفکر شیعی داشت و خود یک فیلسوف و عارف است. تفکر قشری، سطحی، زمخت و بی‌محتوای کسی مثل ابن تیمیه و این آقای ابن عبدالوهاب چه نسبتی با امام دارد؟ عبدالوهاب سنی ظاهرگراست و حنبلی است. پس چه نسبتی با یک شیعه فیلسوف عارف دارد؟ این نوع از قیاس، این دسته بندی را در حد یک ناسزا پایین می‌آورد.» وی با خطاب قرار دادن سنت گرایان می‌گوید: «شما از سنت در قلعه تجدد حرف می‌زنید و از قضا از حمایت‌های آن قلعه و فرماندهان آنجا هم برخوردار هستید. راز حمایت آن‌ها که طبیعتاً باید دشمن شما باشند چیست؟ راز این حمایت‌ها و تمایل‌ها را در کتاب «قلب اسلام» می‌شود پیدا کرد. آنجایی که آقای نصر حتی از بعضی لشکر کشی‌های آمریکا به خاورمیانه دفاع می‌کند، این اتفاق عجیبی است. شما چه طور سنت گرایی هستید که به منهدم کننده سنت کمک کرده و از او حمایت می‌کنید؟ پس معلوم است که در اینجا ارتباطاتی وجود دارد.»

حجت الاسلام مهدوی ضمن اشاره به اینکه دین گرایی و معنویت گرایی از نقاط مثبت سنت گرایی است در پایان می‌گوید: «خوب است که حالا جمهوری اسلامی هم اگر تمایل داشته باشد، با این‌ها مواجهه هوشمندانه‌ای داشته باشد. این‌ها را در اروپا و آمریکا تقویت کند و از ایشان کمک بگیرد. ولی این گفتمان به لحاظ اینکه یک گفتمان کثرت گرا و تکثر محور است، در جهان اسلام نباید ترویج شود. در ایران ابداً نباید ترویج شود. ویژگی دیگری هم که مانع از این ترویج می‌شود و ما نباید به این سمت برویم، این است که سنت گرایان به لحاظ سیاسی اول اینکه به یک گونه‌ای از گذشته گرایی و ارتجاع مبتلا هستند و دوم اینکه به لحاظ سیاسی انسان‌ها را به عزلت‌گزینی و تهذیب نفس می‌کشانند. می‌گویند شما در مقابل وضع موجود کاری نداشته باشید.»

.....
* گفت‌وگوی فوق‌الذکر در صفحات ۱۲۹ تا ۱۳۴ از شماره پنجم نشریه «گفتمان الگو» با عنوان «سنت گرایی عامل مرگ تحرکات مثبت جهان اسلام» منتشر شده است.